



اولین روزنامه حقوقی کشور

آفتاب حقوقی

یکشنبه ۲۱ تیرماه ۱۴۰۵ ● سال اول ● شماره ۴

دیدگاه وکلای و کارشناسان رسمی به سامانه شفافیت و درخواست از ریاست قوه قضائیه

توقف تا رفع نقایص

گزارش: چندی پیش، آیین رونمایی از سامانه شفافیت عملکرد وکلای و کارشناسان رسمی برگزار شد.

در این مراسم محمد کاظمی فرد رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه اظهار کرد: طبق قانون شفافیت قوای سه گانه، قوه قضائیه مکلف شده است سامانه‌ای را راه اندازی کند تا تمامی موارد مرتبط با شفافیت در آن منتشر شود. پیش از این نیز در این سامانه ۱۰ میلیون رأی قضایی به صورت عمومی منتشر شده است و قوه قضائیه یکی از نهادهایی است که داده‌های گسترده‌ای را در میان مجموعه‌های حاکمیتی منتشر کرده است.

وی افزود: یکی از تکالیف جدیدی که به قوه قضائیه سپرده شد، راه اندازی سامانه شفافیت عملکرد وکلای و کارشناسان رسمی بود. در ماده ۱۱۳ برنامه هفتم پیشرفت نیز بر این موضوع تأکید شده بود. بر همین اساس مقرر شد این سامانه نیز در ذیل سامانه شفافیت قوای سه گانه و سامانه شفافیت قوه قضائیه قرار گیرد تا تمامی اطلاعات مربوط به شفافیت در یک نقطه متمرکز شود.

کاظمی فرد ادامه داد: سامانه شفافیت عملکرد وکلای و کارشناسان رسمی دادگستری به گونه‌ای طراحی شده که دو بخش وکلای و کارشناسان به صورت کامل از یکدیگر تفکیک شده‌اند. مردم می‌توانند بر اساس نام خانوادگی یا شماره پروانه، فرد مورد نظر خود را جست‌وجو کنند و پس از یافتن مشخصات، به اطلاعات آن شخص دسترسی داشته باشند.

وی تصریح کرد: در بخش وکلای، اطلاعات هویتی، کانون یا مرکز مربوطه، تعداد شکایات ثبت شده، تعداد پرونده‌های جاری و مختومه، درجه وکیل و سایر اطلاعات مرتبط نمایش داده می‌شود. همچنین مهم‌ترین اطلاعاتی که در این سامانه ارائه شده، آمار پرونده‌هایی است که در سامانه مدیریت پرونده قضایی برای هر وکیل ثبت شده و به تفکیک حوزه‌های مختلف از جمله دعاوی عمومی، کیفری، خانواده و دادگاه انقلاب قابل مشاهده است.

رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه با اشاره به امکان ثبت شکایت در سامانه گفت: در همین سامانه بخشی برای ثبت شکایت از وکیل پیش‌بینی شده است. افراد می‌توانند مشخصات خود، موضوع شکایت و اسناد و مدارک مورد نیاز را بارگذاری کرده و شکایت خود را ثبت کنند. پس از ثبت، شکایت به عنوان یک شکایت جاری در سامانه درج می‌شود. وی افزود: برای بخش شکایات نیز پنل کاملی طراحی شده که در اختیار مرکز وکلای و کانون‌های مربوطه قرار خواهد گرفت تا به صورت الکترونیکی به سامانه متصل شوند و فرآیند رسیدگی را انجام دهند. تمامی اطلاعات مربوط به شکایات، روند رسیدگی و نتایج آن در این سامانه ثبت و قابل پیگیری خواهد بود. کاظمی فرد درباره بخش کارشناسان رسمی نیز اظهار کرد: تمامی اطلاعات مرتبط با کارشناسان رسمی از جمله سوابق، پرونده‌ها، شکایات و سایر اطلاعات موجود در دستگاه قضا در این سامانه منعکس شده است. همچنین امکان ثبت شکایت از کارشناسان رسمی نیز همانند وکلای در سامانه فراهم شده است.

وی ادامه داد: در بخش شکایات، پنل جامعی برای نهادهای ذی‌ربط طراحی شده است تا تمامی شکایات ثبت شده، وضعیت رسیدگی، فرآیندهای طی شده و نتایج نهایی در آن ثبت شود. در صورت احراز تخلف نیز نتیجه در سامانه درج خواهد شد.

رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه خاطرنشان کرد: اگرچه سامانه‌های ثبت شکایت در مرکز وکلای و کانون کارشناسان وجود دارد، اما این سامانه می‌تواند به عنوان یک بستر یکپارچه مورد استفاده قرار گیرد تا تمامی فرآیندها در یک سامانه متمرکز انجام شود.

وی تأکید کرد: سامانه شفافیت عملکرد وکلای و کارشناسان رسمی در بستر سامانه شفافیت قوه قضائیه و بر اساس قانون شفافیت قوای سه گانه راه اندازی شده است. در این سامانه تمامی اطلاعاتی که در اختیار قوه قضائیه قرار دارد منعکس شده و علاوه بر ارائه اطلاعات، امکان ثبت و پیگیری شکایات نیز برای مردم فراهم است تا ضمن آگاهی از سوابق و وضعیت فعالیت وکلای و کارشناسان، نتایج رسیدگی‌ها نیز به صورت شفاف در سامانه منتشر شود.

در ادامه این مراسم، حجت الاسلام خلیلی معاون اول قوه قضائیه با اشاره به راه اندازی سامانه مشترک برای حوزه وکالت و کارشناسی، اظهار کرد: اگرچه هر یک از این دو حوزه دارای تخصص و حرفه مستقل هستند، اما ایجاد پیوند میان آنها و بهره‌گیری از یک سامانه مشترک برای استفاده در محاکم و سایر بخش‌ها، ضرورتی است که امروز باید محقق شود. معاون اول قوه قضائیه با تأکید بر لزوم تغییر برخی نگاه‌ها در حوزه عدالت گفت: عدالت یک کار جمعی و مشترک است و نه یک امر فردی، نهادی یا صنفی. تلقی اینکه عدالت صرفاً متعلق به یک نهاد است، نگاهی نادرست محسوب می‌شود. قوه قضائیه نیز متولی عدالت نیست، بلکه وظیفه ساماندهی و نظارت بر اجزای مختلفی را برعهده دارد که در کنار یکدیگر زمینه تحقق عدالت را فراهم می‌کنند. خلیلی افزود: اگر اجزای مؤثر در تحقق عدالت به درستی ساماندهی نشوند، امکان دستیابی به عدالت وجود نخواهد داشت. نمی‌توان صرف صدور احکام متعدد را به معنای تحقق عدالت دانست، بلکه تمامی بخش‌های دخیل در این فرآیند باید نقش خود را به درستی ایفا کنند. وی با بیان اینکه همه مردم در امر عدالت سهم و نقش دارند، تصریح کرد: هرگونه نقص، خطا یا نارسایی در هر یک از اجزای این زنجیره می‌تواند بر نتیجه نهایی اثر بگذارد و مانع تحقق عدالت شود. معاون اول قوه قضائیه در ادامه به نقش کارشناسان رسمی در فرآیند دادرسی اشاره کرد و گفت: کارشناس در فرآیند تحقق عدالت نقش بسیار مهمی برعهده دارد و اگر کارشناسی به درستی انجام نشود یا فرد از دانش و تخصص کافی برخوردار نباشد، نمی‌توان از عادلانه بودن رأی صادره اطمینان حاصل کرد. این موضوع در حوزه وکالت نیز به همین اندازه اهمیت دارد.

وی با تأکید بر ضرورت رتبه‌بندی و صلاحیت‌سنجی کارشناسان اظهار کرد: احراز صلاحیت عمومی به تنهایی کافی نیست و باید صلاحیت‌های تخصصی و رشته‌ای نیز به طور دقیق مشخص شود. ارجاع امور کارشناسی باید متناسب با تخصص افراد صورت گیرد تا کیفیت کارشناسی و در نتیجه کیفیت دادرسی ارتقا یابد.

خلیلی افزود: نظام‌دهی و ساماندهی در حوزه کارشناسی و وکالت با هدف تحقق عدالت انجام می‌شود و باید تضمین کند که تمامی اجزای این فرآیند در مسیر صحیح حرکت می‌کنند. در گذشته این میزان از ساماندهی وجود نداشت و امروز لازم است با بهره‌گیری از ابزارهای نوین، این وضعیت اصلاح شود.

ادامه در صفحه ۲

سرمقاله



اعتراض به حکم از طریق فرجام خواهی

مدیرمسئول: دکتر منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

زمانی که رأیی از سوی دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ای صادر می‌شود، همیشه یکی از طرفین دعوی یا شکایت رأی را به زیان خود می‌بیند و در پی اعتراض به رأی صادر شده است و می‌خواهد هر چه سریع‌تر اعتراض خود را نزد مراجع قضایی پیگیری کند تا رأی صادره به زیان او، تغییر کند. این شخص اگر با روش‌های اعتراض به آرا آشنایی نداشته باشد و از افراد حقوقی نیز مشورتی نگیرد، قطعاً نخواهد دانست اعتراض خود را چگونه و نزد چه مرجعی مطرح کند. شاید با کمی مطالعه و یا مشورت آگاه شود که باید اعتراض فرجام خواهی مطرح کند؛ اما قطعاً این پرسش برای او ایجاد خواهد شد که فرجام خواهی چیست و چگونه باید این اعتراض را مطرح کند.

فرجام در لغت به معنی پایان، آخر و عاقبت است و اعتراض فرجام خواهی اعتراض به رأی دادگاه بدوی یا تجدید نظر است (به رأیی که در دادگاه اولیه یا بدوی که موضوع در ابتدا در آنجا مطرح و رسیدگی می‌شود، بدوی می‌گویند و به رأیی که در دادگاه تجدیدنظر در اعتراض به رأی بدوی صادر می‌شود، رأی تجدید نظر می‌گویند). مرجعی که به اعتراض فرجام خواهی رسیدگی خواهد کرد دیوان عالی کشور است و با بررسی این که آیا قوانین و مقررات و موازین شرعی در این رأی رعایت شده یا خیر، این رأی را تأیید یا نقض می‌کند. البته این اعتراض فرجام خواهی در موارد خاصی امکان طرح دارد و در مورد هر رأی بدوی یا تجدید نظری نمی‌توان این اعتراض را مطرح کرد.

آیا آرای دادگاه‌های بدوی قابل فرجام خواهی است؟

آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم تجدیدنظرخواهی به قطعیّت رسیده قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر: احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون ریال باشد.

احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت. کدام قرارها قابل رسیدگی فرجامی هستند؟ قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد.

قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. (قرارهای فوق در پست قبلی کاملاً تشریح شد) آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر؛

احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

قرارهای زیر مشروط به اینکه اصل حکم آن‌ها قابلیت فرجام خواهی داشته باشند، قابل فرجام خواهی هستند.

قرار ابطال یا رد دادخواست تجدیدنظر که از دادگاه استان صادر شده باشد.

قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا.

احکامی که قابلیت رسیدگی فرجامی خواهد داشت احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه.

احکام مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبی آن را قاطع دعوا قرار داده باشند.

احکام مستند به سوگند که قاطع دعوا باشد؛ به این معنا که بلافاصله بعد از اقرار یا تقدیم نظریه کارشناسی به پرونده، رأی صادر شود. در این زمان خواهیم گفت که قاطع دعوا بوده است.

احکامی که طرفین حق فرجام خواهی را از خود سلب نموده باشند.

متن کامل سرمقاله در صفحه ۴

دیدگاه وکلا و کارشناسان رسمی به سامانه شفافیت و درخواست از ریاست قوه قضائیه

توقف تا رفع نقایص

ادامه از صفحه اول:

وی راه‌اندازی سامانه شفافیت عملکرد وکلا و کارشناسان رسمی را اقدامی در همین راستا دانست و گفت: هدف از ایجاد این سامانه، ساماندهی وضعیت موجود، شفاف‌سازی، رتبه‌بندی و فراهم کردن امکان ارزیابی دقیق‌تر عملکرد کارشناسان و وکلا است تا فرآیند تحقق عدالت با دقت و اطمینان بیشتری دنبال شود.

معاون اول قوه قضائیه همچنین با اشاره به برخی مقاومت‌ها در مسیر اجرای این طرح تأکید کرد: تحقق عدالت نیازمند مشارکت همه بخش‌هاست، اما در کنار این مشارکت، نظارت نیز ضروری است. مجموعه‌ای که در مسیر تحقق عدالت فعالیت می‌کند باید تحت ارزیابی و نظارت مستمر قرار گیرد تا امکان تصمیم‌گیری دقیق‌تر و مسئولانه‌تر برای مراجع قضایی فراهم شود.

وی همچنین بر حق مردم برای دسترسی به اطلاعات مورد نیاز در انتخاب وکیل و کارشناس تأکید کرد و افزود: مردم باید بدانند چه فردی را برای پیگیری امور خود انتخاب می‌کنند و اطلاعاتی که در اختیار دستگاه‌های مسئول قرار دارد، بخشی از حقوق مردم محسوب می‌شود. ارائه اطلاعات صحیح و شفاف می‌تواند به انتخاب آگاهانه‌تر و تصمیم‌گیری بهتر شهروندان کمک کند.

خلیلی با اشاره به برخی مقاومت‌ها در برابر رتبه‌بندی و انتشار اطلاعات حرفه‌ای وکلا و کارشناسان تصریح کرد: هدف از این اقدام ترضیع حقوق افراد یا خدشه به اعتبار آنان نیست، بلکه تلاش شده است اطلاعات صحیح و قابل اتکا در اختیار مردم قرار گیرد تا انتخاب‌ها با آگاهی بیشتری انجام شود. هر جا احتمال وجود اطلاعات نادرست یا شبهه وجود داشته باشد، باید اصلاح و حذف شود، اما اصل حق مردم برای دسترسی به اطلاعات نباید نادیده گرفته شود.

وی این اقدام را از تحولات مهم و گام‌های پیشرو قوه قضائیه در حوزه شفافیت دانست و گفت: اجرای این طرح حاصل همکاری و همراهی مجموعه‌های مختلف از جمله کانون‌های وکلا، مرکز وکلا و کارشناسان بوده و شکل‌گیری این سامانه را نباید اقدامی ساده تلقی کرد، بلکه این موضوع یک اتفاق مهم در نظام قضایی کشور است. بعد از راه‌اندازی سامانه شفافیت وکلا و کارشناسان رسمی منتقدانی نیز داشت منتقدان شفافیت را لازم و ضروری می‌دانند ولی شفافیت را تا حدی ممکن می‌دانند که ورود به حریم خصوصی اشخاص نداشته باشد برخی دیدگاه‌ها را با هم مرور می‌کنیم.

تازمان رفع نقایص سامانه شفافیت عملکرد وکلا، فعالیت آن متوقف شود

وکیل رضا وطن‌خواه، رئیس کانون وکلای البرز در مصاحبه‌ای با (پایگاه خبری اسکودا) درخصوص راه‌اندازی سامانه شفافیت عملکرد وکلا و کارشناسان رسمی گفت: این سامانه با استقلال کانون‌های وکلا، خودانتظامی حرفه‌ای، اصل محرمانگی و با برخی از اصول بنیادین حقوق اساسی و حتی در مواردی با قانون موجد و مؤسس سامانه مزبور در تناقض و تعارض است.

این دکتري تخصصی حقوق افزود: راه‌اندازی سامانه شفافیت عملکرد وکلا و کارشناسان که به تجویز از بند ت ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳/۱۴۰۳ بدون کسب نظر و دخالت کانون‌های وکلا انجام شده است، علاوه بر تضعیف استقلال کانون‌ها، ناقض حریم خصوصی و واجد مخاطرات و آسیب‌های حرفه‌ای برای وکلای دادگستری است.

وکیل وطن‌خواه گفت: کانون وکلا، یک نهاد مدنی مستقل است که استقلال آن یک امتیاز صنفی نیست، بلکه تضمین و تحکیم‌کننده حق دفاع مردم و دادرسی عادلانه است. این کهن نهاد مدنی هر چند که دارای مأموریت عمومی در حوزه وکالت است، اما در ردیف نهادهای اداری تحت مدیریت یا وابسته به قوه قضائیه نیست و به همین علت سامانه شفافیت عملکرد همکاران عضو کانون‌های وکلا اصولاً باید توسط کانون‌ها ایجاد، راهبری و مدیریت شود.

رئیس کانون وکلای البرز گفت: در بند «ت» ماده ۱۱۳ قانون فوق‌الاشاره، اطلاعات عملکردی قابل انتشار «منحصراً» شامل تعداد و

موضوع پرونده‌ها، بدون درج محتوای محرمانه، میزان حضور در جلسات دادگاه‌ها و پرداخت مالیات و حقوق دولتی است ولی آنچه در سامانه مشاهده می‌شود، در برخی موارد، خارج از حدود قانون و فراتر از یک استعلام حرفه‌ای و مجموعه‌ای از اطلاعات شخصی، خانوادگی، آماری، انتظامی و ... است و قطعاً در اختیار مردم قرار دادن اطلاعاتی؛ همانند نام پدر، شماره شناسنامه، تاریخ تولد، وضعیت تأهل و برخی دیگر از مشخصات هویتی هیچ ارتباطی با شفافیت حرفه‌ای یک وکیل ندارد و می‌تواند زمینه سوءاستفاده از داده‌های اطلاعاتی را فراهم آورد.

وی در ادامه افزود: کانون‌های وکلا، از هرگونه شفافیتی که منجر به افزایش آگاهی عمومی و تسهیل در انتخاب وکیل شود، استقبال می‌کنند اما شفافیت به عنوان یکی از ارزش‌های بنیادین حکمرانی مطلوب، زمانی به اعتماد عمومی منتهی می‌شود که اطلاعات منتشر شده، دقیق، متوازن و قابل راستی‌آزمایی باشد. شفافیت در عملکرد وکلا نباید موجبات تحدید استقلال کانون‌های وکلا و مداخله در فرآیندهای انتظامی این نهاد مستقل مدنی را فراهم نموده و اسرار حرفه‌ای و اطلاعات شخصی وکلا را در دسترس عموم قرار دهد.

رئیس کانون البرز در پایان گفت: با توجه به که در این سامانه، اطلاعات شخصی، خانوادگی و هویتی وکلا بدون هیچ‌گونه فیلتری در دسترس عموم مردم دنیا قرار گرفته است و برخی از اطلاعات منتشر شده در این سامانه؛ به ویژه در خصوص امور انتظامی نیاز به صحت‌سنجی دارد و نظر بر نقایص و عدم تطابق کامل سامانه مزبور با بند «ت» ماده ۱۱۳ قانون مارالذکر، از رئیس محترم قوه قضائیه و رئیس مرکز آمار و فناوری اطلاعات این قوه، درخواست می‌شود که دستور توقف فعالیت این سامانه را تا زمان رفع ضعف‌ها و نقایص فعلی و تطابق آن با قانون، صادر فرمایند.

شفافیت ضرورتی برای عدالت، نه خدشه به اعتبار حرفه وکالت

دکتر بهنام حبیب زاده مومن، وکیل دادگستری و رئیس پیشین کانون وکلای دادگستری مرکز، دکتري تخصصی حقوق نیز طی یادداشتی در این خصوص نوشت: «در هفته قوه قضائیه رونمایی از سامانه شفافیت عملکرد وکلا و کارشناسان رسمی با حضور معاون محترم اول قوه قضائیه انجام شد. این اقدام را می‌توان اجرای یکی از تکالیف مقرر در ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم توسعه و در مسیر تحقق حکمرانی داده‌محور در نظام قضایی دانست. تردیدی نیست که حق دسترسی شهروندان به اطلاعات، پاسخگویی نهادها و شفافیت عملکرد صاحبان مشاغل عمومی، از الزامات حکمرانی مطلوب و از مؤلفه‌های تقویت اعتماد عمومی است. از این منظر، با ملحوظ نگه داشتن برخی ایرادات، اصل ایجاد چنین سامانه‌ای را می‌توان اقدامی رو به جلو ارزیابی کرد.

با این حال، هر سیاست عمومی زمانی موفق خواهد بود که علاوه بر تأمین منافع عمومی، حقوق و جایگاه حرفه‌ای اشخاص را نیز به رسمیت بشناسد. در حوزه وکالت، این ملاحظه اهمیتی دوچندان دارد؛ زیرا وکیل صرفاً یک ارائه‌دهنده خدمات نیست، بلکه یکی از ارکان تحقق دادرسی عادلانه و تضمین‌کننده حق دفاع شهروندان است.

از همین رو، هرگونه نظام ارزیابی یا انتشار اطلاعات درباره عملکرد وکلا ضمن مشارکت دادن کانون‌های وکلا باید به گونه‌ای طراحی و اجرا شود که با افزایش شفافیت و جلوگیری از سوءاستفاده برخی، استقلال حرفه و اعتبار اجتماعی و حریم خصوصی وکیل را نیز حفظ کند.

نخستین دغدغه در این سامانه نحوه نمایش اطلاعات مربوط به شکایات است. در حرفه وکالت، شکایت امری غیرمعارف نیست. بسیاری از شکایت‌ها ناشی از نارضایتی موکل از نتیجه پرونده یا اختلافات طبیعی میان اصحاب دعواست و بخش قابل توجهی از آنها که عموماً توسط شاکیان حرفه‌ای اصطلاحاً طرح می‌شود، در نهایت به منع تعقیب انتظامی یا برائت وکیل منتهی می‌شود.

بنابراین، نمایش صرف تعداد شکایات در این سامانه، بدون تفکیک

میان شکایت ثبت‌شده، شکایت مختومه، شکایت فاقد ادله و تخلف انتظامی قطعی، می‌تواند تصویری نادرست از عملکرد یک وکیل ارائه دهد که با اصل انصاف و ارزیابی علمی و منصفانه عملکرد یک وکیل دادگستری یا کارشناس رسمی منطبق نخواهد بود.

این موضوع صرفاً یک نگرانی صنفی نیست، بلکه به یکی از اصول بنیادین حقوق، یعنی اصل بی‌گناهی، بازمی‌گردد. اگر قانون اجازه نمی‌دهد شهروندی پیش از اثبات تخلف انتظامی یا جرم محکوم تلقی و اطلاعاتش افشاء شود، همین منطق باید درباره اعتبار حرفه‌ای وکلا نیز رعایت شود. انتشار اطلاعاتی که زمینه قضاوت عمومی و بدون ارزیابی فنی را پیش از صدور رأی قطعی فراهم کند، با روح دادرسی منصفانه سازگار نیست.

نکته مهم دیگر، تفاوت میان شاخص‌های کمی و کیفیت واقعی خدمات حقوقی است. تعداد پرونده‌ها، تعداد شکایات یا حجم فعالیت، هرچند اطلاعات مفیدی هستند، اما به تنهایی معیار مناسبی برای سنجش صلاحیت حرفه‌ای محسوب نمی‌شوند.

وکیلی که سال‌ها در پیچیده‌ترین پرونده‌های مالی و اقتصادی، کیفری یا حقوقی فعالیت کرده است، طبیعتاً بیش از وکیلی که تنها چند پرونده محدود را پذیرفته، در معرض اعتراض یا شکایت قرار می‌گیرد. بنابراین، مقایسه عملکرد وکلا صرفاً بر پایه آمار خام، نه علمی است و نه منصفانه.

از سوی دیگر، نباید از آثار رفتاری چنین سامانه‌ای غافل شد. اگر ثبت هر شکایت، فارغ از نتیجه آن، بر اعتبار عمومی وکیل اثر بگذارد، ممکن است برخی اشخاص از شکایت انتظامی به عنوان ابزاری برای فشار بر وکیل یا خدشه‌دار کردن اعتبار حرفه‌ای او استفاده کنند. این وضعیت، علاوه بر افزایش شکایت‌های فاقد مبنا، می‌تواند استقلال وکیل را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا وکیلی که همواره نگران پیامدهای رسانه‌ای یا آماری شکایت‌های اثبات‌نشده باشد، ممکن است در پذیرش پرونده‌های حساس یا دفاع قاطع از حقوق موکل، با ملاحظات روبرو شود که در نهایت به زیان سیستم عدالت قضایی منتهی شود.

در مقابل، می‌توان این سامانه را به الگویی موفق برای تلفیق شفافیت و حفظ حقوق حرفه‌ای تبدیل کرد. این هدف زمانی محقق می‌شود که اطلاعات منتشرشده بر مبنای شاخص‌های دقیق، قابل راستی‌آزمایی و مبتنی بر آرای قطعی باشد؛ میان شکایت و تخلف تفکیک روشنی صورت گیرد و در آینده امکان اعتراض و اصلاح اطلاعات برای وکلا آن هم از طریق سامانه تخصصی کانون‌ها که در ماده ۱۵۶ آیین‌نامه اجرایی لایحه استقلال پیش‌بینی و شاخص‌های رتبه‌بندی نیز به صورت شفاف و قابل ارزیابی در اختیار جامعه حقوقی و شهروندان قرار گیرد.

قوه قضائیه اگر بر حفظ کرامت اشخاص، اصل برائت و دادرسی منصفانه تأکید دارد، انتظار می‌رود به نظرات تخصصی کانون‌های وکلا به عنوان نهاد متولی در طراحی، اجرا و تکمیل سامانه شفافیت توجه و آن‌ها رعایت شود.

صرفنظر از ایراد در طراحی لوگوی سامانه که لوگوی کانون وکلای دادگستری با قدمت ۱۰۰ ساله به فرض مسامحه فراموش شده است! و اصلاح آن در سامانه ضروری است، ذکر مسائل بسیار شخصی و ورود به حریم شخصی، چون تاهل یا مجرد کمکی به شفافیت حرفه‌ای نداشته و اعتبار حرفه‌ای وکیل، صرفاً یک حق شخصی نیست، بلکه بخشی از سرمایه نظام قضایی کشوراست و محققاً تضعیف این سرمایه، در نهایت اعتماد مردم به فرآیند دادرسی را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

شفافیت باید به مردم امکان انتخاب آگاهانه بدهد، اما نباید زمینه قضاوت زود هنگام را فراهم کند. همان‌گونه که جامعه حق دارد از عملکرد صاحبان حرفه آگاه باشد، صاحبان حرفه نیز حق دارند پیش از هرگونه قضاوت عمومی، از تضمین‌های دادرسی منصفانه و حفظ اعتبار حرفه‌ای خود برخوردار باشند.

هنر قانون‌گذار و سیاست‌گذار قضایی نیز در ایجاد همین تعادل است؛ تعادلی که بتواند هم اعتماد عمومی را تقویت کند و هم شأن و استقلال حرفه‌ای وکلا را به عنوان یکی از ارکان اساسی عدالت

موارد دیگری است که در این سامانه نمی‌توان آن را به طور کامل و جامع مرعی دانست چرا که در غالب موارد مبنای شکایات سعایت و بدخواهی طرف دعوای وکیل بوده و به قصد ایذا مطرح می‌شود؛ چه بسا گزارش‌های خلاف واقع و واهی و صرفا به دلیل کینه‌توزی و خصومت شخصی علیه وکلا در سامانه بارگذاری شود و به سادگی اعتبار و حیثیت شغلی وکلا را تحت‌الشعاع قرار دهد کما اینکه تجربه چندین ساله رکن انتظامی کانون وکلا موید این امر است و نسبت شکایات واهی و بلاجهت علیه وکلا بسیار بسیار بیشتر از شکایات واقعی همراه با ادله است. لذا صرف شکایت‌های مطروحه نمی‌تواند معیاری برای سنجش عملکرد وکلا باشد.

واضح و مبرهن است که وکیل وظیفه دفاع از حقوق موکل خویش را دارد و این دفاع فی‌نفسه در تعارض با منافع طرف مقابل دعوای مطروحه خواهد بود و آیا نظر طرف مقابل دعوای وکیل کسی که با وکیل تعارض منافع داشته و بعضا دارای خصومت نیز با وکیل هست می‌تواند معیار سنجش عملکرد وکلا باشد؟!

ت: تضییع حق دفاع شهروندان

همان‌طور که استقلال وکیل را جهت تضمین حق دفاع شهروندان ضروری می‌دانیم شجاعت و جسارت نیز از خصیصه‌های لازم و ضروری شغل وکالت بوده تا سبب احقاق حقوق موکلین گردد. در ما نحن فیه از آنجایی که به سهولت اسباب ارسال گزارش‌های منفی علیه وکیل فراهم گردیده و بیم هتک حیثیت وکلا می‌رود راه‌اندازی سامانه‌هایی از این دست وکیل را از وظیفه اصلی و ذاتی خود دور نموده، شجاعت و جسارت حرفه ای وکیل را سلب کرده و او را از مسیر ایفای وظایف خارج می‌سازد چرا که نگرانی از طرح شکایات و گزارش‌های غیرواقعی در سامانه موصوف منتج به عملکرد ضعیف وکیل می‌شود و در نهایت متضرر اصلی از این موضوع مردم خواهند بود که حق دفاع آنها بدین شکل تضییع خواهد شد.

ج: لزوم حفظ محرمانگی اطلاعات هویتی

و حرفه‌ای اشخاص و ضرورت پیشگیری از وقوع جرم

با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات هویتی وکیل احتمال سوءاستفاده‌های فراوانی از جمله جعل عنوان و تظاهر به وکالت افزایش پیدا خواهد کرد و در طولانی مدت نه تنها هیچ کمکی به شفافیت نمی‌کند بلکه خود از اسباب وقوع جرم و تشکیل پرونده‌های قضایی و ایجاد فشار مضاعف بر قوه قضائیه خواهد بود. اساسا اینکه اطلاعات کامل هویتی وکیل در دسترس عموم قرار بگیرد، چه کمکی به شفافیت می‌کند؟ آیا غیر از این است که باب سوء استفاده را باز می‌کند؟

آیا در هشدارهای امنیتی که اکنون نیاز روز جامعه است تاکید بر عدم در دسترس قرار دادن اطلاعات هویتی افراد نمی‌شود؟! و یا چه لزومی دارد احاد مردم در جریان تعداد پرونده های یک وکیل قرار بگیرند؟

این امر چگونه قرار است شفافیت را اجرا کند؟! افشای اسرار شغلی یک وکیل آیا منطبق بر موازین قانونی و حقوقی است؟ آیا واقعا این سامانه منطبق با قانون شفافیت می باشد؟!

بلا تردید هر عقل سلیمی شفافیت عملکرد را امری مستحسن می داند معذک آنچیزی که مخالفت قاطبه نهاد وکالت را برانگیخته شیوه اجرای آن است که فی‌الواقع ناقض بسیاری از اصول حرفه‌ای حقوقی اخلاقی و حتی شرعی است؛ چرا که یکی از این اصول رعایت اصل محرمانگی و حفظ حریم خصوصی اشخاص است که در قرآن کریم نیز صراحتا نهی شده و در خصوص آن انداز داده شده است و اکنون با راه‌اندازی سامانه شفافیت شاهد نادیده انگاشتن این امور هستیم.

النهایه هر چند در زمان تصویب قانون برنامه هفتم توسعه نیز تمام انتقادات و معایب آن گوشزد گردید ولی متاسفانه به دلیل آن که نیاز سنجی و انجام کار کارشناسی نادیده گرفته شد تصویب این قانون قوه قضائیه را مکلف به راه‌اندازی چنین سامانه‌ای نمود ضمن ابراز نگرانی و اعلام آمادگی به منظور تعامل با مسئولین مربوطه امید است در ابتدا گام‌های موثری جهت اصلاح قانون مذکور و متعاقبا اقدامات لازم در راستای اصلاح سامانه موصوف صورت پذیرد.

منبع:

پایگاه‌های خبری اسکودا، وکلاپرس، اختبار، دادبانان و ...

آفتاب حقوقی آماده دریافت هر گونه نظر و پاسخ درخصوص این گزارش می باشد.

به ابزاری برای ارتقای اعتماد عمومی تبدیل کند، نه وسیله‌ای برای تضعیف نهادهای حرفه‌ای و تعرض به حقوق بنیادین اشخاص. قانون‌گذار اجرای بند (ت) ماده ۱۱۳ را بر عهده قوه قضائیه قرار داده و قوه قضائیه نیز در اجرای این تکلیف قانونی، سامانه مربوط را راه‌اندازی کرده است. با این حال، انتشار برخی اطلاعات از جمله کد ملی، وضعیت تأهل و سایر داده‌های شخصی و غیرحرفه‌ای، نه‌تنها ضرورتی در راستای اهداف شفافیت ندارد، بلکه می‌تواند زمینه‌ساز نقض حریم خصوصی، سوءاستفاده از داده‌های شخصی و بروز خساراتی باشد که جبران آن‌ها دشوار و در مواردی ناممکن است.

از این‌رو، انتظار می‌رود قوه قضائیه، به‌عنوان متولی عالی امور حقوقی و قضایی کشور و مجری این بخش از قانون، با بازنگری در دامنه اطلاعات منتشرشده و رعایت الزامات حقوقی حاکم بر حریم خصوصی و امنیت داده‌ها، از بروز پیامدهای ناخواسته و خسارت‌بار جلوگیری کند و با اتخاذ رویکردی متوازن، هم حق جامعه بر آگاهی و هم حقوق بنیادین وکلا و کارشناسان را به نحو شایسته تضمین نماید.»

اسباب ارسال گزارش‌های منفی علیه وکیل در سامانه شفافیت فراهم شده و بیم هتک حیثیت وکلا می‌رود

حسین طالع، عضو هیات مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز و رئیس ۳ دوره هیات مدیره کانون مرکز نیز در این باره نوشت : در پی راه‌اندازی سامانه موسوم به شفافیت نقطه نظرات فراوانی از سوی همکاران وکیل مطرح گردید که نشان از دغدغه مندی آنان و حساسیت موضوع داشته و در ابتدای امر ابهامات بی‌شماری را به ذهن متبادر می‌کند که اساسا هدف از راه اندازی این سامانه چیست؟ به چه میزان به لحاظ کارشناسی و منطقی نسبت به عواقب و پیامدهای منفی آن واکاوی صورت پذیرفته است؟

چطور ممکن است به بهانه هدف شفافیت وسیله را توجیه نمود و اصول دیگر را نادیده گرفت و امنیت شغلی و حریم خصوصی زندگی یک وکیل را تهدید نمود؟ و ابهامات فراوان دیگری که در این مقال نمی گنجد و مختصرا برخی از معایب آن در ذیل معروض می گردد.

الف: نقض استقلال کانون‌های وکلا

مسئولیت حرفه ای وکیل تنها در مقابل موکل او خواهد بود و اساسا ارتباطی با سایر اعضای جامعه نخواهد داشت تا بدین سادگی تمام اطلاعات و اسرار حرفه‌ای او در دسترس همگان قرار گیرد؛ ضمن اینکه چنانچه اختلافی نیز بین رابطه خصوصی وکیل و موکل حادث شود، نهاد نظارتی کانون‌های وکلا صالح به رسیدگی بوده و در صورت وقوع هر گونه تخلف انتظامی از سوی وکیل قطعا با او برخورد قاطعی صورت می گیرد. و در نگاه نخست باید اذعان داشت که راه اندازی چنین سامانه‌ای نتیجه ای جز دخالت در حیطه وظایف و اختیارات کانون‌های وکلا و نقض اصل استقلال آنها در پی نخواهد داشت.

ب: لزوم حفظ کرامت انسانی

کامنت نخست وفق آموزه‌های دینی حفظ کرامت انسانی اشخاص از مسائل حائز اهمیتی است که در فقه شیعه آبروی مومن را به اندازه جان او محترم می‌شمارد و در قوانین و مقررات نیز از جمله قانون آیین دادرسی کیفری به عنوان یکی از اصول اولیه مورد پذیرش واقع گردیده است و اکنون با تدقیق در سامانه شفافیت آنچه که نادیده گرفته می‌شود شان و اعتبار و حیثیت شغلی یک وکیل است.

به فرض که از وکیلی شکایت شده باشد آیا شرعی و اخلاقی است که حیثیت وکیل خدشه‌دار شود؟!

حتی مجرمین بسیار باسابقه نیز تنها در صورت استعلام مراجع قضایی و نهادهای ذی ربط سابقه کیفری آنها در دسترس قرار می‌گیرد و بعد از سپری شدن مهلت‌های قانونی از آنان اعاده حیثیت می‌شود، پس به طریق اولی در موارد مربوط به تخلفات انتظامی نیز این محرمانگی باید حفظ شود و این امر از اصول مسلم و بنیادین حقوقی است.

پ: عدم امکان راستی‌آزمایی

و صحت گزارش‌های ثبت شده

راستی‌آزمایی و صحت گزارش‌های ثبت شده علیه وکیل خود از

قضایی حفظ و صیانت نماید و امید است دراسرع وقت با اصلاح برخی از ایرادات از بروز پیامدهای آسیب زا و خسارت‌بار جلوگیری شود.»

تأملی بر سامانه شفافیت وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری

وکیل محمد شاه محمدی رئیس کانون وکلای دادگستری مرکز هم در این خصوص طی یادداشتی نوشت: «راه‌اندازی سامانه شفافیت وکلا و کارشناسان رسمی دادگستری، موضوعی است که ارزیابی آن بدون شناخت دقیق فلسفه شفافیت، اهداف آن و مرز میان حق جامعه بر آگاهی و حق اشخاص بر حریم خصوصی، امکان‌پذیر نیست.

شفافیت که از قرن هجدهم وارد ادبیات حقوق عمومی و اندیشه سیاسی شد و پس از جنگ جهانی دوم به یکی از ارکان حکمرانی مطلوب بدل گردید، هیچ‌گاه به معنای افشای بی‌ضابطه اطلاعات اشخاص نبوده است. فلسفه شفافیت، تضمین پاسخگویی صاحبان قدرت و فراهم آوردن امکان نظارت عمومی بر عملکرد نهادهای عمومی است، نه توسعه قلمرو مداخله در حریم خصوصی شهروندان و نهادهای مدنی.

از همین رو، در نظام‌های حقوقی پیشرفته و اسناد بین‌المللی، شفافیت همواره در کنار اصولی چون کرامت انسانی، حریم خصوصی، محرمانگی اطلاعات، امنیت داده‌ها و اصل تناسب مورد تفسیر قرار می‌گیرد.

شفافیت زمانی واجد ارزش است که به افزایش پاسخگویی، ارتقای اعتماد عمومی، مبارزه با فساد، بهبود کارآمدی نظام اداری و تضمین حق دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی بینجامد؛ نه آنکه خود به ابزاری برای نقض حقوق بنیادین اشخاص تبدیل شود. این قاعده در حوزه حرفه‌های تخصصی نیز تفاوتی ندارد. وکلا، کارشناسان رسمی و پزشکان، به اعتبار نقش اجتماعی و جایگاه حرفه‌ای خود، از مهم‌ترین مطالبه‌گران شفافیت و حاکمیت قانون‌اند و نه موضوع اصلی سیاست‌های شفافیت.

در این حوزه، آنچه می‌تواند در معرض اطلاع عموم قرار گیرد، اطلاعات مرتبط با صلاحیت حرفه‌ای، اعتبار پروانه، حوزه تخصص و محکومیت‌های قطعی انتظامی در حدود قانون است؛ زیرا این اطلاعات در انتخاب آگاهانه مراجعان مؤثر است. اما اطلاعات شخصی، خانوادگی، مالی و سایر داده‌هایی که هیچ ارتباطی با صلاحیت حرفه‌ای افراد ندارد، خارج از قلمرو شفافیت قرار می‌گیرد و حمایت از آن‌ها، بر اساس اصول ۲۲، ۲۵ و ۴۰ قانون اساسی، امری ضروری و غیرقابل اغماض است.

از این منظر، اجرای بند (ت) ماده ۱۱۳ قانون برنامه هفتم نیز باید در پرتو همین اصول صورت پذیرد. صرف اطلاق عنوان «شفافیت» نمی‌تواند مجوزی برای توسعه دامنه انتشار اطلاعات فراتر از حدود ضرورت و تناسب باشد؛ زیرا هر تفسیری که به افشای اطلاعات غیرمرتبط با صلاحیت حرفه‌ای بینجامد، نه‌تنها با فلسفه شفافیت و مبانی حقوق عمومی سازگار نیست، بلکه می‌تواند نتایجی معکوس و زیان‌بار در پی داشته باشد.

این مقررهِ همچنین باید در بستر تحولات تقنینی سال‌های اخیر در حوزه عدالت مورد تحلیل قرار گیرد.

تجربه قوانینی همچون «قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب‌وکار»، بند (پ) ماده ۲۰ «قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت» مبنی بر به‌کارگیری نمایندگان حقوقی و برخی احکام برنامه هفتم، نشان می‌دهد که در مواردی، مسائل پیچیده نظام حقوقی و قضایی با رویکردی عمدتا اقتصادی یا اداری و بدون بهره‌گیری کافی از مطالعات تخصصی و مشارکت نهادهای حرفه‌ای، مورد تقنین قرار گرفته‌اند.

حال آنکه تنظیم قواعد مرتبط با حق دفاع، استقلال وکالت و سایر نهادهای عدالت، مستلزم ارزیابی دقیق آثار و پیامدهای بلندمدت و بهره‌گیری از دیدگاه‌های کارشناسی است. تجربه عملی نیز نشان داده است که هرگاه قانون‌گذاری در این حوزه بدون توجه کافی به اقتضانات حرفه‌های حقوقی انجام شود، آثار آن صرفا متوجه وکلا و کارشناسان نخواهد بود، بلکه کیفیت دادرسی، امنیت قضایی و حقوق شهروندان را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد.

بی‌تردید، شفافیت ضرورتی انکارناپذیر برای حکمرانی مطلوب است؛ اما همان‌گونه که حق جامعه بر دانستن باید تضمین شود، حق اشخاص بر حفظ حریم خصوصی و استقلال حرفه‌ای نیز باید مورد حمایت قرار گیرد.

هنر قانون‌گذار و مجری قانون در آن است که میان این دو حق، بر پایه اصل تناسب، تعادلی پایدار برقرار سازد؛ تعادلی که شفافیت را

- صاحب امتیاز و مدیرمسئول: دکتر منصور مظفری / وکیل پایه یک دادگستری
- آدرس: تهران - خیابان شهید مطهری - ابتدای قائم مقام فراهانی، کوچه ۲۶، پلاک ۱۰
- یزد - بلوار ۲۲ بهمن - ابتدای کوچه اعظم ۰۹۱۲۸۴۳۷۰۱۸
- تلفن: ۰۹۱۲۲۹۹۱۷۹۶ - ۰۹۱۳۱۵۱۵۲۱۰ - ۸۸۳۲۸۷۴۳ ایمیل: aftab.yz@gmail.com

اعتراض به حکم از طریق فرجام خواهی



مدیر مسئول: دکتر منصور مظفری
وکیل پایه یک دادگستری

زمانی که رأیی از سوی دادگاه در رسیدگی به پرونده‌ای صادر می‌شود، همیشه یکی از طرفین دعوی یا شکایت رأی را به زیان خود می‌بیند و در پی اعتراض به رأی صادر شده است و می‌خواهد هر چه سریع‌تر اعتراض خود را نزد مراجع قضایی پیگیری کند تا رأی صادره به زیان او، تغییر کند. این شخص اگر با روش‌های اعتراض به آرا آشنایی نداشته باشد و از افراد حقوقی نیز مشورتی نگیرد، قطعاً نخواهد دانست اعتراض خود را چگونه و نزد چه مرجعی مطرح کند. شاید با کمی مطالعه و یا مشورت آگاه شود که باید اعتراض فرجام خواهی مطرح کند؛ اما قطعاً این پرسش برای او ایجاد خواهد شد که فرجام خواهی چیست و چگونه باید این اعتراض را مطرح کند.

فرجام در لغت به معنی پایان، آخر و عاقبت است و اعتراض فرجام خواهی اعتراض به رأی دادگاه بدوی یا تجدید نظر است (به رأیی که در دادگاه اولیه یا بدوی که موضوع در ابتدا در آنجا مطرح و رسیدگی می‌شود، بدوی می‌گویند و به رأیی که در دادگاه تجدیدنظر در اعتراض به رأی بدوی صادر می‌شود، رأی تجدید نظر می‌گویند). مرجعی که به اعتراض فرجام خواهی رسیدگی خواهد کرد دیوان عالی کشور است و با بررسی این که آیا قوانین و مقررات و موازین شرعی در این رأی رعایت شده یا خیر، این رأی را تأیید یا نقض می‌کند. البته این اعتراض فرجام خواهی در موارد خاصی امکان طرح دارد و در مورد هر رأی بدوی یا تجدید نظری نمی‌توان این اعتراض را مطرح کرد.

آیا آرای دادگاه‌های بدوی قابل فرجام خواهی است؟ آرای دادگاه‌های بدوی که به علت عدم تجدیدنظرخواهی به قطعیت رسیده قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر: احکامی که خواسته آن بیش از مبلغ بیست میلیون ریال باشد. احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر، وقف، ثلث، حبس و تولیت.

کدام قرارها قابل رسیدگی فرجامی هستند؟ قرار ابطال یا رد دادخواست که از دادگاه صادر شده باشد. قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. (قرارهای فوق در پست قبلی کاملاً تشریح شد) آرای دادگاه‌های تجدیدنظر استان قابل فرجام خواهی نیست مگر در موارد زیر؛

احکام راجع به اصل نکاح و فسخ آن، طلاق، نسب، حجر و وقف.

قرارهای زیر مشروط به اینکه اصل حکم آن‌ها قابلیت فرجام خواهی داشته باشند، قابل فرجام خواهی هستند.

قرار ابطال یا رد دادخواست تجدیدنظر که از دادگاه استان صادر شده باشد.

قرار سقوط دعوا یا عدم اهلیت یکی از طرفین دعوا. احکامی که قابلیت رسیدگی فرجامی خواهد داشت احکام مستند به اقرار قاطع دعوا در دادگاه.

احکام مستند به رأی یک یا چند نفر کارشناس که طرفین کتبی آن را قاطع دعوا قرار داده باشند.

احکام مستند به سوگند که قاطع دعوا باشد؛ به این معنا که بلافاصله بعد از اقرار یا تقدیم نظریه کارشناسی به پرونده، رأی صادر شود. در این زمان خواهیم گفت که قاطع دعوا بوده است.

احکامی که طرفین حق فرجام خواهی را از خود سلب نموده باشند.

احکامی که ضمن یا بعد از رسیدگی به دعاوی اصلی راجع به متفرعات آن صادر می‌شود؛ در صورتی که حکم راجع به

اصل دعوا قابل رسیدگی فرجامی نباشد.

احکامی که به موجب قوانین خاص غیر قابل فرجام است.

چه اشخاصی می‌توانند فرجام خواهی کنند

افراد زیر می‌توانند با رعایت موارد آتی، درخواست رسیدگی فرجامی نمایند؛

طرفین دعوا، قائم مقام، نمایندگان قانونی و وکلای آنها.

دادستان کل کشور.

فرجام خواهی با تقدیم دادخواست فرجامی به دادگاه صادر کننده رأی به عمل می‌آید. تاریخ تقدیم دادخواست البته در صورت ثبت آن در همان روز تقدیم، ابتدای فرجام خواهی محسوب می‌شود.

مهلت درخواست فرجام

برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ انقضای مهلت تجدیدنظرخواهی است.

در صورتی که دادخواست خارج از مهلت یاد شده تقدیم شود یا در مدت معین شده نقایص موجود رفع نشود، به موجب قرار از سوی دادگاهی که دادخواست به آن تسلیم شده رد می‌گردد.

این قرار ظرف بیست روز قابل شکایت در دیوان عالی کشور می‌باشد و رأی دیوان عالی کشور بعد از رسیدگی به این امر قطعی است.

در صورت تکمیل دادخواست فرجام خواهی، مدیر دفتر دادگاه آن را برای اصحاب دعوا می‌فرستد تا ظرف بیست روز به صورت کتبی پاسخ دهند پس از گذشت بیست روز چنانچه پاسخی رسیده یا نرسیده باشد، پرونده را به دیوان عالی کشور می‌فرستد.

مراحل پس از درخواست فرجام

چنانچه محکوم به مالی باشد، در صورت لزوم به تشخیص دادگاه، قبل از اجرای حکم از محکوم له خواهان) تأمین مناسب اخذ خواهد شد.

چنانچه محکوم به غیرمالی باشد و به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم، محکوم علیه (خوانده) تأمین مناسب بدهد اجرای حکم تا صدور رأی فرجامی به تأخیر خواهد افتاد.

موارد نقض حکم یا قرار

پس از ارسال پرونده به دیوان عالی کشور، شعبه رسیدگی کننده با نظراکثریت اعضا در تأیید و یا نقض رأی فرجام خواسته، تصمیم مناسب را اتخاذ می‌نماید.

در موارد زیر حکم یا قرار نقض می‌شود؛

دادگاه صادر کننده رأی بدوی، صلاحیت رسیدگی به موضوع را نداشته باشد. رأی صادره خلاف موازین شرعی و مقررات قانونی صادر شده باشد.

عدم رعایت اصول دادرسی و حقوق اصحاب دعوا، در صورتی که به درجه‌ای از اهمیت باشد که رأی را از اعتبار بیندازد.

آرای مغایر با یکدیگر، بدون وجود سبب قانونی در یک موضوع و بین همان اصحاب دعوا صادر شده باشد.

(در صورت وجود دو رأی متناقض همان اصحاب دعوا و با فرض وجود موضوع واحد)

تحقیقات انجام شده در پرونده ناقص بوده و یا به دلایل و دفاعیات طرفین دعوی توجه نشده باشد.

چنانچه رأی صادره با قوانین حاکم در زمان صدور آن مخالف نباشد، نقض نمی‌شود.

چنانچه عدم صحت مدارک و اسناد و نوشته‌هایی که مبنای

صدور رأی قرار گرفته اند

ثابت شود رأی صادره نقض می‌شود.

در صورت وجود یکی از موجبات نقض، رأی مورد تقاضای فرجام، نقض می‌شود اگر چه فرجام خواه به آن جهت که مورد نقض قرار گرفته، استناد نکرده باشد.

ترتیب رسیدگی به فرجام خواهی

پس از وصول پرونده به دیوان عالی کشور، رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی، پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول، به یکی از شعبه‌های دیوان ارجاع می‌نماید. شعبه مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می‌کند مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

پس از ارجاع پرونده، نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع داد مگر به تجویز قانون.

رعایت این امر برای رسیدگی در کلیه دادگاه‌ها الزامی است. رسیدگی در دیوان عالی کشور بدون حضور اصحاب دعوا صورت می‌گیرد، مگر در موردی که شعبه رسیدگی کننده دیوان، حضور آنان را لازم بدانند.

شعبه رسیدگی کننده طبق نظر اکثریت، در تأیید یا نقض رأی فرجام خواسته، اتخاذ تصمیم می‌نماید. اگر رأی، مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تأیید آن، پرونده را به دادگاه صادر کننده اعاده می‌نماید و الا مطابق مقررات آتی اقدام خواهد شد.

اقدامات پس از نقض

پس از نقض رأی دادگاه در دیوان عالی کشور، رسیدگی مجدد به دادگاهی که به شرح زیر تعیین می‌گردد ارجاع می‌شود و دادگاه مرجوع الیه مکلف به رسیدگی است؛

اگر رأی صادره به صورت قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت نقص تحقیقات، نقض شده است برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادر کننده آن ارجاع می‌شود.

اگر رأی به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شده باشد، به دادگاهی که دیوان عالی کشور صالح بداند ارجاع می‌گردد.

در سایر موارد نقض، پرونده به شعبه دیگر از همان حوزه دادگاه که رأی منقوض را صادر نموده ارجاع می‌شود و اگر آن حوزه بیش از یک شعبه دادگاه نداشته باشد به نزدیک‌ترین دادگاه حوزه دیگر ارجاع می‌شود.

به این امر پی برده اید که دیوان عالی کشور اگر رأیی را نقض نمود پرونده را به دادگاه مورد نظر خود، جهت رسیدگی ارجاع خواهد داد.

در صورت نقض رأی به علت نقص تحقیقات، دیوان عالی کشور مکلف است نواقص را یکجا و مشروح ذکر نماید.

رأی فرجامی دیوان عالی کشور نمی‌تواند مورد استفاده غیر طرفین فرجام خواهی قرار گیرد، مگر در مواردی که رأی یاد شده قابل تجزیه و تفکیک نباشد که در این صورت نسبت به اشخاص دیگر هم که مشمول رأی فرجام خواسته نبوده و درخواست فرجام نکرده اند تسری خواهد داشت.

مراحل رسیدگی دادگاه مرجوع الیه

در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات، تحقیقات مورد نظر دیوان عالی کشور را انجام داده سپس با در نظر گرفتن آن مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

در صورت نقض قرار، دادگاه مکلف است برابر رأی دیوان عالی کشور به دعوا رسیدگی کند، مگر اینکه بعد از نقض سبب تازه‌ای برای امتناع از رسیدگی به ماهیت دعوا حادث گردد.

در رأی دیوان عالی کشور، نام و مشخصات و محل اقامت طرفین، حکم یا قراری که از آن فرجام خواسته شده است و خلاصه اعتراضات و دلایلی که موجب نقض یا ابرام حکم یا قرار می‌شود به طور روشن و کامل ذکر می‌گردد و پس از امضای آن در دفتر مخصوص با قید شماره و تاریخ ثبت خواهد شد.